

درآمدی بر حقوق شهروندی؛ چیستی، ضرورت، ابعاد، ویژه گی ها و رویکردها

مسعود مرادیان^۱، پریش رحیمی^۲

^۱ کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی و وکیل دادگستری

^۲ کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی

چکیده

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، توجه خاصی به حقوق شهروندی می کند، بطوری که رنگ، نژاد و زبان را موجب تفاوت در در برخورداری از این حق نمی داند و دولت نیز موظف به رعایت حقوق همه شهروندان می کند. اساساً حقوق شهروندی بر سه اصل حقوق مدنی، حقوق سیاسی و حقوق اجتماعی بنیان نهاده شده و از ارکان اصلی حقوق بشر محسوب می شود. شهروند در جوامع دموکراتیک به افرادی اطلاق می شود که تابعیت کشوری را دارا می باشند و به تبع این وابستگی از حقوق و مزایایی برخوردار می شوند که در قانون اساسی و سایر قوانین عادی در آن کشور به تصویب رسیده است. حقوق شهروندی که مبتنی است بر قرارداد متقابل اجتماعی و یک سلسله و به عنوان یک احساس مشترک عمومی نسبت به «مردم بر دولت» و «دولت بر مردم» حقوق متقابل هویت ملی و اجتماعی با موانع و مشکلاتی همراه است. از این رو در تحقیق حاضر، به لحاظ اهمیت حقوق شهروندی به مفاهیم، پیشینه، ضرورت، ابعاد، ویژه گی ها و رویکردهای آن پرداخته شده است. و در ادامه نتیجه گیری در مورد حقوق شهروندی را مورد بررسی قرار می دهد.

واژه های کلیدی: حقوق شهروندی، قانون، شهروند، مردم، حقوق بشر

۱. مقدمه

امروزه، توجه به حقوق شهروندی، و پاسداری از آن به یکی از گفتمان های پرطرفدار در عرصه حقوق داخلی و حتی حقوق بین الملل تبدیل شده است. شهروندی به مثابه فرآیند اجتماعی و سیاسی قرن نوزدهم در جوامع سنتی مدنی به صورت تعامل جدی بین دولت و ملت مطرح و به طور همزمان با مسأله عضویت در دولت - ملت ها از شهروندی به عنوان یک پدیده مهم اجتماعی و سیاسی بحث شده است. مباحث اجتماعی مدرن از مولفه های محوری نظام های سیاسی دموکراتیک و شاخصی کلیدی برای نشان دادن تحقق دموکراسی در یک جامعه مدرن است که برخوردار از حوزه عمومی و جامعه مدنی کارآمد و پویاست. اهمیت حقوق شهروندی تا بدان حد است که رابطه نزدیکی با جایگاه حاکمیت پیدا می کند. چنانکه برخی از کارشناسان بر این نظراند، جامعه ای که در آن حقوق شهروندان نهادینه نشده باشد، رابطه مردم و حاکمیت دچار تزلزل است. نظر به ضرورت شناخت اجمالی از حقوق شهروندی، به ویژه در کشور ما که م تأثر از موازین قانونی و تعالیم اسلامی است، باید این مفهوم با ویژگی مورد اشاره در کشور مورد شناسایی و بررسی قرار گیرد. نظر به اینکه، ارائه ملاک و معیار روشن برای تعیین حقوق شهروندی حمایت شده، بدون توجه به مقررات مرتبط امکانپذیر نیست، اشاره به اهم مقرراتی که حقوق شهروندی را مشخص می کند، ضرورت می یابد.

اصطلاح حقوق شهروندی (در مفهوم جدید) اولین بار در اعلامیه حقوق بشر و شهروندی سال ۱۷۸۹ م فرانسه مطرح شد که پس از تصویب در صدر قانون اساسی سپتامبر ۱۷۹۱ م قرار گرفت. اعلامیه جهانی حقوق بشر که در سال ۱۹۴۸ م در مجمع عمومی ملل متحد به امضاء کشورها رسید در بسیاری از مواد خود از محتوای اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه الهام گرفته است.

به طور کلی، شهروندی یک نوع قرارداد متقابل اجتماعی و یک سلسله حقوق متقابل دولت و همچنین یک احساس مشترک عمومی نسبت به هویت ملی و اجتماعی در یک محدوده مشخص است. به طور کلی هدف این مقاله بررسی چرایی مفاهیم حقوق شهروندی، ضرورت ها، ابعاد، ویژه گی ها و رویکردهای آن است. که در این مقاله به این موضوعات پرداخته شده است.

۲. مبانی نظری

۲-۱- پیشینه حقوق شهروندی

مفهوم شهروند را می توان از حیث دیرینگی به یونان باستان نسبت داد. این مفهوم به کسانی که به دلیل سکونت در دولت شهر دارای حقوق سیاسی بودن، اطلاق می گردید. البته، هرچند دولت شهر واحد سیاسی مستقل بود که شهروندان در کنار بردگان و غیر شهروندان زندگی می کردند، اما صرف سکونت افراد در شهر، آنها را از حقوق شهروندی که در واقع، حق مشارکت در اداره عمومی و دخالت در حوزه سیاسی عمومی بود، برخوردار نمی نمود.

حق بهره مندی از این امتیاز، به کسب برخی فضایل خاص در انسانها بر می گشت و کسانی که در کسب و تحصیل فضایل موفق نبوده و دارای فضیلت سیاسی نمی شدند، از این حق محروم بودند. اولین فیلسوف و متفکری که به مفهوم شهروند در تئوریهای سیاسی پرداخت، که در آن الگوی ابرشهر (مدینه فاضله) را تشریح کرد، افلاطون بود. افلاطون در کتاب جمهوری نشان داد، شهروندان را یکی از محورهای اصلی تأسیس دولت و حکومت مطلوب قرار می دهد. در دوران کنونی، حمایت از حقوق شهروندی در پی روند جهانی شدن حقوق بشر بود. این دوره، با حمایت از اقلیت ها و گروه های خاص شروع شد و به تدوین برخی اسناد بین المللی درباره برخی اقشار (همچون کارگران) و برخی اقلیت های دینی و ملی انجامید. در آخرین مرحله این حمایت ها، تأکید بر جامعیت اسناد بین المللی در حمایت از حقوق بشر و شهروندی است که در آن اعلامی هها، اسناد و معاهداتی امضا شد و ملل و دول آن را تصویب کردند.

۲-۲- مبانی حقوق شهروندی

به طور خلاصه، دو مبنا را برای حقوق شهروندی در غرب بیان می کنند: یکی دیدگاه مبتنی بر جمهوری گرایی و دیگری مبتنی بر لیبرالیسم. در دیدگاه لیبرالی، حقوق شهروندی، به عنوان مجموعه ای از حقوق و تکالیف ملازم یکدیگر است که هر کسی که شهروند جامعه باشد، به طور برابر از آن برخوردار می شود؛ یعنی هر شهروند، در عین انتظار امنیت فردی و آزادی و حق رأی، تکلیف خدمت سربازی را هم دارد.

در دیدگاه جمهوری گرا، افزون بر این بیان، اندیشه آرمان خواهی هم در مفهوم حقوق شهروندی نهفته است و در آن، چهار جزء اصلی وجود دارد: اول. بی گمان، شهروندان از مجموعه ای از حقوق برابر برخوردارند.

دوم. دوم با این حقوق، تکالیفی نیز برای شهروندان وجود دارد.

سوم. شهروندی متضمن تمایل به گام برداشتن در جهت اجرای حقوق سایر اعضای جامعه سیاسی است.

چهارم. این تمایل برای اجرای حقوق دیگران، بر اساس توافق همگانی و آرمانی عملی می شود.

۲-۳- حقوق شهروندی در ایران

ایران باستان را پایه گذار حقوق شهروندی در جهان دانسته اند. منشور صادر شده از سوی کوروش، پادشاه هخامنشی، بسیاری مبانی و مبادی اولیه حقوق بشر و شهروندی را مورد تأکید قرار داده است. منع برده داری و به اسارت گرفتن آزادگان، رعایت حقوق کارگران و شرایط مناسب کار، منع نسل کشی (در حمله به بابل)، تساوی افراد در برابر قانون و مانند آن، در اسناد به دست آمده قابل مشاهده است و حتی برخی بر آنند که این منشور، همان نوشته ای است که اعلامیه حقوق بشر خوانده اند. یکی از مشهورترین اسناد مربوط به حقوق شهروندی در دوران معاصر، فرمانی است که در زمان ناصرالدین شاه و توسط امیرکبیر صادر شد که در آن بر رعایت حقوق مردم توسط حاکمان و نمایندگان آنها تأکید شده است. با پیروزی انقلاب اسلامی، تأکید بر اجرای قوانین شرع، منع شکنجه، تشکیل دادگاه های عدل و روند منصفانه دادرسی ها، از اقدامات اولیه در اصلاح و تأسیس نهادهای قضایی و جزایی در ایران بوده است.

۲-۴- تعریف شهروندی

در ادبیات گسترده نظریه های شهروندی، هسته مشترک تعاریف ارائه شده از شهروندی به شرح زیر است:

۱- نوعی پایگاه و نقش اجتماعی مدرن برای تمامی اعضای جامعه؛

۲- مجموعه به هم پیوسته ای از وظایف، حقوق، تکالیف و مسئولیت ها و تعهدات اجتماعی، سیاسی، حقوقی، اقتصادی و فرهنگی همگانی، برابر و یکسان؛

۳- احساس تعلق و عضویت اجتماعی مدرن برای مشارکت جدی و فعالانه در جامعه و حوزه های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی؛

۴- برخورداری عادلانه و منصفانه تمامی اعضای جامعه از مزایا، منافع و امتیازات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، حقوقی و فرهنگی فارغ از تعلق طبقاتی، نژادی، مذهبی و قومی

بطور کلی، شهروندی از دیدگاه تامس مارشال، جایگاهی اجتماعی است که در رابطه با دولت با سه نوع حق؛ شامل حقوق مدنی، حقوق سیاسی و حقوق اجتماعی همراه است. مفهوم شهروندی منزلتی را نشان می دهد که با قانون اعطا می شود. در عین حال، این مفهوم نشان می دهد که اشخاص به اعتبار جایگاه شان در اجتماع یا واحد سیاسی دارای حقوق هستند. از دیدگاه جغرافیایی انسانی، شهروندی، در واقع شرایط عضویت در واحدهای سیاسی معمولاً دولت ملی است که از حقوق و امتیازات ویژه کسانی محافظت می کند وظایف معینی را انجام می دهند.

۲-۵- انواع شهروند

شهروند بودن در یک نگاه به این معناست که شما به یک کشور تعلق داشته و برای زندگی کردن در آن جامعه از حقوقی برخوردار هستید. تبیین مفهوم شهروند به مالک حقوق بودن در جامعه ختم نمی گردد. اعتقاد بر آن است که اصولاً هر حقی با وظیفه ای همراه است. افراد زیادی هستند که در مورد حقوق شان صحبت می کنند، ولی به وظایفی که متعاقب آن می آید، توجه نمی نمایند. در حالی که شناخت وظایف هر فرد در قبال جامعه یکی از پیش نیازهای اصلی جریان شهروندی محسوب می شود.

وستهایمر و کاهن، سه نوع شهروند را نام می برند:

۱- شهروند شخصاً مسئول: شهروند شخصاً مسئول، در جامعه به طور فردی فعالیت می کند. برخی از نمونه های رفتاری چنین افرادی عبارت است از: جمع کردن زباله ها و تلاش برای تمیزی محیط زندگی، فداکاری و ایثارگری و شهادت طلبی، کسب آگاهی و داوطلبانه ادای دین کردن. شهروند شخصاً مسئول کار می کند و مالیات خود را می پردازد، او از قوانین پیروی می کند و همچنین به افرادی که در شرایط بحرانی مانند سیل و زلزله گرفتار آمده اند، کمک می نماید. شهروند شخصاً مسئول فردی است که داوطلبانه به دیگران (نیازمندان) کمک می کند و رفتارهای خیرخواهانه دارد.

۲- شهروند مشارکتی: این نوع از شهروندان، کسانی هستند که فعالانه در امور مدنی و زندگی اجتماعی جامعه در سطح محلی و ملی مشارکت می کنند. طرفداران شهروندی مشارکت جو استدلال می کنند که مشارکت مدنی فراتر از مشکلات با فرصت خاص در جامعه می باشد.

۳- شهروند عدالت محور: طرفداران شهروند عدالت محور، تحلیل هایی را ارائه می دهند که توجه آشکاری را نسبت به موضوعات بی عدالتی و همچنین نسبت به پیگیری نمودن عدالت اجتماعی ارائه می دهد. امروزه، افراد بیش از پیش دارای شهروندی دوگانه و چندگانه می شوند. عده ای با وجود اینکه شهروند رسمی محسوب می شوند، فاقد حقوق مهمی هستند که لازمه موقعیت شهروندی است. بسیاری از افراد به علت بیکاری، فقر، تبعیض نژادی و جنسی از مشارکت کامل محروم اند.

۲-۶- ویژگی های حقوق شهروندی

حقوق شهروندی جدید، دارای دو ویژگی بارز است که آن را از سایر مفاهیم حقوق جدا می سازد: نخست؛ حقوق شهروندی مدرن جدای از حقوق بشر به شمار می آید. این استقلال بدین مفهوم است که باید با نگاهی خاص این علم را تعریف نمود. اگر حقوق شهروندی مدرن از حقوق بشر جداست، پس مفاهیم، اهداف و بنیان های آن نیز باید جداگانه بررسی شود و کارکردهای آن نیز در این حالت متفاوت خواهد بود. ارتباط این رشته با حقوق بشر و مفاهیم اجتماعی و فرهنگی مربوط به شهروندی، لزوماً به معنی عدم استقلال آن نخواهد بود چرا که تقریباً تمام رشته های علوم انسانی با هم در ارتباط اند.

دوم؛ حقوق شهروندی مدرن، بر روابط شهرنشینان با هم دیگر و رابطه ایشان با ارگان های به مفهوم عام «حقوق شهروندی» دولتی دلالت دارد و از این لحاظ باید آن را تفسیر خاصی از به شمار آورد.

۲-۷- مؤلفه های شهروندی

اندیشه ورزی و ژرف اندیشی، سعه صدر و تحمل اندیشه های مخالف، قانون گرایی و قانون پذیری، احساس خود ارزشمندی و عزت و اعتماد به نفس، تمایل به رقابت سازنده، عدم تمکین به روابط مبتنی بر قدرت مستبدانه، تقویت روحیه پرسشگری و کنجکاوی، تمایل به تفکر خلاق و واگرا در حل مسائل مبتلا به محیط پیرامون، توانایی و جرأت در ابراز اندیشه، از جمله ویژگی هایی است که به عنوان پایه های مفهوم شهروندی قلمداد می شود. در این مجموعه مؤلفه های شهروندی عبارتند از:

۱- دانایی محوری

شهروند، کنجکاو و در جستجوی دانایی است. در دانایی محوری که مهم ترین مؤلفه متشکله شهروندی است، گام اول مشارکت فعال و مسئولیت پذیری است و داشتن آگاهی در زمینه موضوعات تاریخی، اجتماعی و فرهنگی در سطح محلی، ملی و بین المللی پیش نیازی اساسی به شمار می رود.

۲- وطن دوستی

یک شهروند به شهر و کشورش احساس تعلق می کند. وطن دوستی به معنای وفاداری نسبت به کشور خود و دیدن مصالح جامعه در انجام فعالیت های روزانه است. یکی از مسائل عینی شهروندی، احساس تعلق اجتماعی به فرهنگ، آداب و رسوم و ... یک کشور است. تجلی عینی این احساس این است که یک شهروند، مرز و بوم خود را خانه اصلی خود بداند. این احساس به طور طبیعی در میان جامعه مهاجران، احساس ضعیفی است.

۳- قانون مداری

قانون عاملی است که زمینه انسجام و یگانگی میان افراد جامعه را فراهم می سازد. شهروند تلاش می کند تا قوانین را علی رغم اینکه مغایر با نفع شخصی او باشد، در زندگی به کار گیرد. او هرگونه اعتراض به قانون را از مسیر گفتمان پی می گیرد. اما در ابتدا التزام عملی به قانون را وظیفه خود می داند.

۴- مسئولیت پذیری

شهروندی مفهومی است که با مسئولیت و مسئولیت پذیری آحاد جامعه همراه است، از آنجایی که در جامعه، فرد آینه دیگران است، هرگونه تسامح در انجام وظایف خود را، در زیر ساخت های جامعه مؤثر می داند. زیباترین احساس خوشایند شهروندی، تلاش برای همکاری و تعاون و بار مسئولیت خود و دیگران را به دوش کشیدن است.

۵- مشارکت

ارسطو، جامعه سیاسی را یک جامعه اخلاقی می داند که در آن شهروندان از طریق مشارکت پیشرفت می کنند. از نظر ماکیاولی، شهروندی مغایر با بی تفاوتی است، آن یک وظیفه و تعهد است که هم به نفع جمعی و هم به نفع شخصی توجه دارد. مشارکت تنها این نیست که فرد در نقش رأی دادن ظاهر شود، بلکه در فرآیند شهروندی باید نقش راهبردی داشته و اشاعه دهنده فرهنگ مسئولیت پذیر باشد.

۶- انتقادگری و انتقادپذیری

انتقادگری و انتقادپذیری اصل اساسی تعاملات مؤثر میان شهروندان است. آنان باید توانایی داشته باشند تا فعل و انفعالات جامعه را مورد مذاقه قرار دهند و سپس هرگونه تحلیل فکری منظم و منطقی و جهت بهبود فرآیندها را ارائه دهند.

۲-۸- ابعاد حقوق شهروندی

اعلامیه جهانی حقوق بشر در این زمینه مقرر می دارد؛ کمال مطلوب انسان آزاد و رهایی یافته از ترس و فقر در صورتی حاصل می شود که شرایط تمتع هر کس از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و همچنین مدنی و سیاسی او ایجاد می شود. بند دوم ماده ۲ میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مقرر داشته که: کشورهای طرف این میثاق متعهد می شوند که اعمال حقوق مذکور در این میثاق را بدون هیچ نوع تبعیض از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا هر گونه عقیده دیگر، اصل و منشأ ملی یا اجتماع، ثروت، نسب یا هر وضعیت دیگر تضمین نمایند. همچنین در بند سوم همین ماده بر توجه به حقوق اقتصادی شناخته شده در این میثاق و تضمین آن تاکید شده است.

بعد اجتماعی شهروندی مشخص می کند که شهروندان باید قادر باشند که در شرایط و موقعیت های مختلف نیز فعالیت کنند و کنش متقابل داشته باشند. آنها باید قادر باشند در مباحثات و مذاکرات، به منظور مشارکت در زندگی عمومی و فائق آمدن بر مسائل و مشکلاتی که به طور فردی با آن مواجه می گردند، با دیگران گفتگو کنند و در یک فضای محترمانه که همواره

شان انسان و زندگی اجتماعی در آن مراعات و حفظ می شود، به قضاوت رفتار یکدیگر احترام و بستر رشد ارزش های تازه را فراهم نمایند.

در بعد مکانی، هر فرد، فراتر از خود و جامعه پیرامونی، در حیطه چند جامعه محلی، ناحیه ای، ملی و چند فرهنگی، عمل می کند. جهان به طور فزاینده مرزهای مادر را با تعلقات مجازی در هم می شکند. انسجام دهکده جهانی در قرن بیست و یکم از حجم و بعد بیشتری برخوردار است.

بعد زمانی شهروندی بر این موضوع تاکید دارد که شهروندان، نباید خود را خیلی در زمان حال محدود کنند و از تحلیل گذشته و آینده غافل بمانند. در بعد زمانی، محدود بودن دیدگاه مان به شرایط خاص، سبب می شود وسعت زمان را درک نکرده و از گستره زمان غافل بمانیم.

آلن سیرز و وان هبرت در تحلیل ابعاد شهروندی، دیدگاه دیگری را بیان می کنند. آنها ابعاد شهروندی را عبارت می دانند از:

۱- بعد مدنی شهروندی

۲- بعد سیاسی شهروندی

۳- بعد اجتماعی - اقتصادی شهروندی

۴- بعد فرهنگی یا گروهی شهروندی

در بعد مدنی شهروندی، ارزش های اساسی جامعه، حدود تصمیم گیری های دولتی در ارتباط با افراد شهروند، حقوق و تعاملات گروه های ویژه و ذینفع را مشخص می کند. بعد مدنی شهروندی، عواملی نظیر آزادی در گفتار، برابری در مقابل قانون، آزادی در تعاملات و ارتباطات به معنای عام و همچنین جریان آزادانه دسترسی به اطلاعات را شامل می گردد. بعد سیاسی شهروندی، مسائل حق رای و مشارکت سیاسی شهروندان است. به عبارت دیگر، شهروندی سیاسی، به حقوق و وظایف سیاسی اشاره دارد که در قالب نظام سیاسی تبلور پیدا می کند.

بعد اجتماعی - اقتصادی شهروندی، به ارتباط بین افراد در یک موقعیت اجتماعی و همچنین به مشارکت در یک فضای باز سیاسی اشاره دارد.

بعد فرهنگی یا گروهی شهروندان، به شیوه ای از فرآیند گسترش تنوع فرهنگی اشاره می کنند که با موضوعاتی نظیر توانایی پذیرش فرهنگ های دیگر، مهاجرت جهانی، افزایش تحرک و تغییرپذیری همراه است. شهروندی فرهنگی به آگاهی از میراث عمومی فرهنگی اشاره دارد.

۲-۹- رویکردهای شهروندی:

برای شهروندی رویکردهای مختلفی ارایه شده است. کاستلز سه رویکرد اساسی برای شهروندی قائل است که دارای ویژگی ها و مفروضات متفاوتی هستند. این رویکردها عبارتند از:

الف- رویکرد حذفی متفاوت

رویکرد حذفی متفاوت، برخوردهای متفاوتی را با شهروندان گوناگون به کار می گیرد. بر اساس این رویکرد، شهروندان می توانند به برخی از حوزه ها و قلمروهای اجتماعی دسترسی داشته باشند و یا با اکثریت قلمروهای اجتماعی منطبق و هماهنگ باشند در حالی که از حق برخورداری از سایر قلمروها و مزایا محروم هستند. این رویکرد شهروندی همچنین در مورد جوامعی که شهروندان طبقه بندی می شوند و به درجات و دسته جات گوناگون تقسیم بندی می شوند نیز مصداق دارد. به موجب این رویکرد برخی شهروندان از مزایای بسیاری برخوردارند و برخی دیگر نیز از بسیاری از مزایا و امکانات اجتماعی محروم اند. مکانیزم حذف می تواند از طریق راهکارهای قانونی و یا از طریق اقدامات و فعالیت های غیررسمی صورت پذیرد.

در یک برداشت کلی، رویکرد حذفی متفاوت نشان می دهد که چگونه جامعه در راستای حذف افراد مشخص حرکت می کند و حقوق گسترده ای را برای سایر افراد جامعه به واسطه دارا بودن پاره ای از ویژگی ها و خصوصیات فراهم می سازد.

ب- رویکرد جذب یا همانندسازی

رویکرد جذب یا همانندسازی طرفدار سیاست تلفیق نسل نوجوان و جوان یا افراد تازه وارد به یک جامعه از طریق فرآیند سازگاری و انطباق یک طرفه می باشد. در برخی از موارد مفهوم جذب یا همانندسازی و مفهوم تلفیق یا درهم تنیده شدن در جای هم به کار می رود ولی سازگاری مفهومی است که شکل تدریجی بیشتری دارد. بنابراین، جذب یا همانندسازی مطلب بدان معناست که فرد باید خود را از لحاظ فرهنگی، همانند و همساز غالب جامعه نماید.

ج- رویکرد تکثرگرا

رویکرد تکثرگرا دارای ویژگی بارز ارایه حقوق مساوی برای تمام افراد است. در این رویکرد تمام شهروندان از حقوق برابر برخوردارند و می توانند به تمام حوزه های اجتماعی و منابع مرتبط دسترسی داشته باشند بدون آنکه از شهروندان انتظار رود که احساسات و تعلقات متفاوت خود را ترک نمایند.

در این رویکرد، عضویت در جامعه مدنی در برگیرنده مشارکت کامل در امور جامعه و دولت می باشد. براساس نظریه کاستلر، این رویکرد در کشورهایی نظیر ایالات متحده آمریکا، کانادا و استرالیا مشاهده می شود. در عین حال، باید توجه داشت که حتی در رویکرد تکثرگرا نیز محدودیت هایی در ارتباط با ارزش های بنیادی وجود دارد.

۳- نتیجه گیری

این مقاله با هدف بررسی مفاهیم حقوق شهروندی انجام شده است. شهروندی را می توان نمایی از ارتباط اجتماعی و قانونی بین افراد و جامعه سیاسی و اجتماعی شان دانست. شهروندی مستلزم بر عهده گرفتن مسئولیت ها و وظایف بسیار مهمی است که باید انجام شود. به زعم مارشال، شهروندی موقعیتی است که به کسانی که اعضای جامعه هستند، اعطا می گردد. همه افرادی که صاحب چنین موقعیتی هستند، ضمن این که از حقوقی برخوردار می باشند، باید وظایفی را نیز که از آن موقعیت بر می خیزد، بر عهده گیرند. یکی از حقوق شهروندی، آموزش است که آن را به آموزش عمومی و آموزش حقوق شهروندی تقسیم کردیم. اهتمام به آموزش حقوق شهروندی برای نیروی پلیس و شهروندان در پیش گیری یا کاهش برداشت های نادرست مؤثر است.

از یک سو، ارائه پیشینه و مبانی حقوق شهروندی و محدودیت های امنیتی آن که ضرورت زندگی اجتماعی است، شهروندان را بر حد و مرز حقوقشان واقف می سازد و برای ایشان آمادگی پذیرش برخورد نیروی پلیس در صورت عدول از مرزهای مورد حمایت را به وجود خواهد آورد. یادگیری پارامترهای آموزش رفتار شهروندی به افزایش کیفیت زندگی جمعی و تقویت سرمایه اجتماعی در زندگی کمک شایانی می کند. آموزش رفتارهای شهروندی در افزایش کیفیت عملکرد سازمان های مدنی بسیار اثرگذار است، این آموزه ها به تقویت اخلاق اجتماعی و بسط همبستگی اجتماعی یک جامعه در سطح محلی - ملی و جهانی کمک خواهد کرد، آموزش شهروندی بخشی از وظایف مدیریت شهری است، در واقع دولت و نهادهای قانونگذار، سازمان های ملی و محلی، تشکل های مدنی و ... از طریق آموزش حقوق شهروندی و مهارت های زندگی جمعی و شناخت اصول مدیریت شهری نقش بارزی در تربیت شهروندان خواهند داشت.

منابع

- امامی، سیدحسین. (۱۳۶۸) **حقوق مدنی**، جلد ۴. تهران: کتابفروشی اسلامیه
- امیرارجمند، اردشیر. (۱۳۸۱) **مجموعه اسناد بین المللی حقوق بشر**، جلد اول. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- براتعلی پور، مهدی. (۱۳۸۴) **شهروندی و سیاست نوفضیلت گرا**. تهران: مؤسسه مطالعات ملی.
- پرهام، فرهاد. (۱۳۷۸) **جامعه و دولت**. تهران: انتشارات مجموعه مطالعات اجتماعی.
- ساکت، محمدحسین. (۱۳۸۷) **حقوق شناسی**. تهران: نشر ثالث.
- کاستلز، استفان و الیستر دیویدستون. (۱۳۸۳) **مهاجرت و شهروندی**، ترجمه فرامرز تقی لو. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی غیر انتفاعی.

- Janoski, T. (۱۹۸۸). **Citizenship and Civil Society: A Framework of Rights and Obligations in Liberal Traditional and Social Democratic Regime**. Cambridge: Cambridge University Press.
- Johnston, L. (۱۹۹۲). **The Rebirgh Private Policing**. London: Routledge. Lauer, H.R, hauer, C.J. (۲۰۰۲). **Social Problems and the Quality of life**, New York: McGraw- Hill.
- Lawson, T. Heaton, T. (۱۹۹۹). **Crime and Deviance**, London: Macmillan. Liu, M. (۲۰۰۱). The Development of Civic Values: Case Study of Taiwan. **International Journal Educational Research**. Vol. ۳۵. Ni.۱.
- Minkler, J. (۱۹۹۸). **Active Citizenship. Empowering America's Youghth**, In WWW.Frenso, edu/ sps/ minkler, html.
- Rawls, J. (۱۹۸۳). **Political Liberalism, An International Challenge**, Hague: Kluwer law International.
- Seidman, S. Alexander, J.C. (۲۰۰۱). **The New Social Theory Reader**, London: Routledge.
- Turner, B.S. (۲۰۰۶). **Global Sociology and the Nature of Rights**, (In Societies without Borders), Vol. ۱.